

علت خوشبختي يا بدبختي از نگاه قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

از آیات قرآن کریم مستفاد می‌شود که استغفار و ترک گناه باعث توسعه مادی و عمران و آبادی و متقابلاً هر گونه نافرمانی خدا و ظلم به دیگران عامل فقر و فلاکت و بدبختی است. با این شاخص بسیاری از کسانی که در زندگی مادی دچار گرفتاری‌های متعدد هستند می‌توانند اعمال و رفتار خود را بازنگری کرده و با نسخه شفابخش قرآن کریم، از بیماری فقر و فلاکت نجات یابند.

رابطه گناه با فقر و مصیبت

قرآن کریم در آیه 30 سوری شوری می‌فرماید: "و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر: هر مصیبت و گرفتاری که به شما می‌رسد دستاورد و ثمره اعمال خودتان است تازه این تمام مجازات اعمال شما نیست چرا که بسیاری از کارهای شما را مورد عفو قرار می‌دهد". این آیه به خوبی نشان می‌دهد، مصائبی که دامن‌گیر انسان می‌شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار است (هر چند استثنائاتی دارد که بعد به آن اشاره خواهد شد) و به این ترتیب یکی از فلسفه‌های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می‌شود. جالب این که در حدیثی از امیرمومنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم، که از پیامبر گرامی خدا(ص) نقل می‌کند که فرمود: "خیر آیه فی کتاب الله هذه الایة، یا علی ما من خدش عود و لا نکبة قدم الا بذنب و ما عفی الله عنه فی الدنیا فهو اکرم من ان یعود فیه و ما عاقب علیه فی الدنیا فهو اعدل من ان یتنی علی عبده: این آیه (و ما اصابکم من مصیبة...) بهترین آیه در قرآن مجید است، ای علی هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سرزده و آن چه خداوند در دنیا عفو می‌کند، گرامی‌تر از آن است که (در قیامت) در آن تجدید نظر فرماید و آن چه را که در این دنیا عقوبت فرموده، عادل‌تر از آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد". (1)

و به این ترتیب این گونه مصائب علاوه بر این که بار انسان را سبک می‌کند، او را نسبت به آینده کنترل خواهد نمود.

گرچه ظاهر آیه عام است و همه مصائب را در برمی‌گیرد، ولی مطابق معمول در عمومات، استثناهایی وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن‌گیر انبیا و ائمه معصومین (علیه السلام) می‌شد که برای ترفیع مقام آن‌ها بود، یا گرفتاری بسیاری همانند کودکان و یا افرادی که مسوول شناخته نمی‌شوند. و هم چنین مصائبی که بر اثر ندانم کاری‌ها و عدم دقت و مشورت و سهل‌انگاری در امور حاصل می‌شود، که اثر تکوینی اعمال خود انسان‌ها است و یا مصائبی که گریبان غیر معصومین را می‌گیرد و جنبه آزمون دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "و لنبلونکم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين: به درستی که شما را از طریق انواع ترس و گرسنگی و کمبودهای مادی و جسمی و محصولات مورد امتحان قرار می‌دهیم و بشارت باد بر کسانی که این آزمون الهی را با صبر و بردباری پشت سر می‌گذارند" (155 / بقره).

به تعبیر دیگر جمع میان آیات مختلف قرآن و روایات ایجاب می‌کند که عموم این آیه در مواردی تخصیص پیدا کند. اما از آن جا که بیشتر موارد آن جنبه کیفری و کفاره‌ای دارد، آیه 30 سوره شوری آن را به صورت عموم مطرح ساخته است.

با این بیان نمی‌توان گفت هر گرفتاری و رنجی کیفر گناه است، چرا که گرفتاری‌های سخت، فلسفه‌های گوناگونی دارند که از آن جمله عبارتند از:

- 1 - شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های درونی و برونی انسان،
- 2 - هشدار نسبت به آینده او،
- 3 - بیداری از خواب غفلت و غرور و هشیاری از انواع مستی‌ها،
- 4 - کیفر گناهان،
- 5 - بخش مهمی نیز ثمره ندانم کاری‌ها و سهل انگاری‌های انسان در زندگی است.
- 6 - اصل آزمون در زندگی انسان، (2)

و لذا در حدیثی می‌خوانیم: هنگامی که امام علی بن الحسین (علیه السلام) وارد بر یزید شد، یزید نگاهی به او کرد و گفت: "یا علی ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم" (اشاره به این که حوادث کربلا نتیجه اعمال خود شما بود).

ولی امام علی بن الحسین (علیه السلام) فوراً در پاسخ فرمود: "کلا ما هذه فينا نزلت، انما نزل فينا" ما اصاب من مصیبة في الارض و لا في انفسکم الا في کتاب من قبل ان نبراهنا ان ذلك علی الله یسیر لکیلا تاسوا علی ما فاتکم ولاتفرحوا بما اتاکم" (3) فنحن الذین لاناسی علی ما فاتنا من امرالدنیا و لانفرح بما اوتینا: (4) چنین نیست، این آیه در مورد ما نازل نشده، آن چه درباره ما نازل شده آیه دیگری است که می‌گوید: هر مصیبتی در زمین یا در جسم و جان شما روی دهد، پیش از آفرینش شما در کتاب (لوح محفوظ) بوده و آگاهی بر این امر بر خداوند آسان است، این برای آن است که شما به خاطر آن چه از دست می‌دهید، غمگین نشوید و به خاطر آن چه در دست دارید، زیاد خوشحال نباشید (هدف از این مصائب عدم دل‌بستگی شما به مواهب زودگذر دنیا است و یک نوع تربیت و آزمون برای شما است).

سپس امام افزود: "ما کسانی هستیم که هرگز به خاطر آن چه از دست داده‌ایم، غمگین نخواهیم شد و به خاطر آن چه در دست داریم، خوشحال نیستیم" همه را زودگذر می‌دانیم و چشم به لطف و عنایت خدا بسته‌ایم". هنگامی که از امام صادق (علیه السلام) تفسیر آیه فوق را خواستند، فرمود: "می‌دانید علی (علیه السلام) و اهل بیتش بعد از او گرفتار مصائبی شدند، آیا به خاطر اعمالشان بود؟ در حالی که آن‌ها اهل بیت طهارتند و معصوم از گناه"، سپس افزود: "ان رسول الله کان یتوب الی الله و یتستغفر فی کل یوم و لیلة مائة مرة من غیر ذنب ان الله یخص اولیائه بالمصائب لیاجرهم علیها من غیر ذنب: رسول خدا (ص) پیوسته توبه می‌کرد و در هر شبانه روز صد بار استغفار می‌نمود، بی‌آن که گناهی مرتکب شده باشد، خداوند برای اولیاء و دوستانش مصائبی قرار می‌دهد تا به خاطر صبر در برابر آن از او پاداش گیرند، بی‌آن که گناهی مرتکب شده باشند". (5)

گاه مصائب، جنبه دستجمعی دارد و محصول گناهان جمعی است، همان گونه که در آیه 41 سوره روم می‌خوانیم: "ظہر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون: فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم آشکار شد، تا نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده‌اند، به آن‌ها بچشاند، شاید بازگردند".

روشن است که این درباره جوامع انسانی است، که به خاطر اعمالشان گرفتار نابسامانی‌ها می‌شوند. و در آیه 11 سوره رعد آمده است: "ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم: خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که خویشتن را تغییر دهند".

و در آیه 11 سوره رعد آمده است: "ان الله لا يغير ما بقوم حتي يغيروا ما بانفسهم: خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که خویششان را تغییر دهند".

و امثال این آیات که گواهی می‌دهد، در میان اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او ارتباط و پیوند نزدیکی وجود دارد، که اگر بر اصول فطرت و قوانین آفرینش گام بردارند، برکات الهی شامل حال آن‌ها می‌شود و هرگاه فاسد شوند، زندگی آن‌ها به فساد می‌گراید.

و گاه ممکن است این قضیه در مورد فرد فرد انسان‌ها صادق شود و هر کس در مقابل گناهی که مرتکب می‌شود، به مصیبتی در جسم و جان یا اموال و متعلقاتش گرفتار گردد، همان‌طور که در آیه فوق آمده است. (6) در همین زمینه روایات زیادی در منابع اسلامی وارد شده که به گوشه‌ای از آن برای تکمیل این بحث اشاره می‌کنیم: در خطبه 178 نهج‌البلاغه آمده است: "ما كان قوم قط في غص نعمة من عيش، فزال عنهم، الا بذنوب اجترحوها، لان الله ليس بظلام للعبيد و لو ان الناس حين تنزل بهم النقم و تنزل عنهم النعم، فزعوا الي ربهم بصدق من نياتهم و وله من قلوبهم، لرد عليهم كل شارد و اصلح لهم كل فاسد: "هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد، مگر به واسطه گناهانی که انجام دادند زیرا خداوند هرگز به بندگان ستم روا نمی‌دارد، هرگاه مردم در موقع نزول بلاها و سلب نعمت‌ها با صدق نیت به پیشگاه خدا تضرع کنند و با دل‌های پر اشتیاق و آکنده از مهر خدا از او درخواست جبران نمایند مسلماً آن چه از دستشان رفته به آن‌ها بازمی‌گرداند و هرگونه مفسده‌ای را برای آن‌ها اصلاح می‌کند".

در "جامع‌الخبار" حدیث دیگری از امیرمومنان علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: "ان البلاء للظالم ادب و للمومن امتحان و للانبياء درجة و للاولياء كرامة: بلاها برای ظالم تادیب است و برای مومن امتحان و برای پیامبران درجه و برای اولیاء کرامت و مقام است". (7)

این حدیث شاهد گویایی است برای آن چه در مورد استثنای آیه بیان کردیم. در حدیث دیگری در "کافی" از حضرت امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود: "ان العبد اذا كثرت ذنوبه ولم يكن عنده من العمل ما يكفرها، ابتلاه بالحنن ليكفرها: هنگامی که انسان گناهش افزون شود و اعمالی که آن را جبران کند، نداشته باشد، خداوند او را گرفتار اندوه می‌کند تا گناهانش را تلافی کند". (8) در کتاب کافی اصولاً بابی برای این موضوع منعقد شده و 12 حدیث در همین زمینه در آن آمده است. تازه همه این‌ها غیر از گناهانی است که خداوند طبق صریح آیه فوق مشمول عفو و رحمتش قرار می‌دهد، که آن نیز به نوبه خود بسیار است.

آیا باید در مقابل مصائب و مشکلات تسلیم شد؟

ممکن است کسانی از این حقیقت قرآنی سوء استفاده کنند و هر گونه مصیبتی دامنشان را می‌گیرد، با آغوش باز از آن استقبال نمایند و بگویند باید در برابر هر حادثه ناگواری تسلیم شد و از این اصل آموزنده و حرکت‌آفرین قرآنی نتیجه معکوس، یعنی نتیجه تخدیری بگیرند که این بسیار خطرناک است.

هیچ گاه قرآن نمی‌گوید در برابر مصائب تسلیم باش و در رفع مشکلات کوشش مکن و تن به ظلم‌ها و ستم‌ها و بیماری‌ها بده، بلکه می‌گوید: اگر با تمام تلاش و کوششی که انجام دادی باز هم گرفتاری‌ها بر تو چیره شد، بدان گناهی کرده‌ای که نتیجه و کفاره‌اش دامن‌ت را گرفته، به اعمال گذشته‌ات بیندیش و از گناهانت استغفار کن و خویش‌ت را بساز و ضعف‌ها را اصلاح نما.

و اگر می‌بینیم در بعضی از روایات، این آیه بهترین آیه قرآن معرفی شده، به خاطر همین آثار تربیتی مهم آن

است.(9)

- 1 - "مجمع البيان"، جلد 9، صفحه 31، ذیل آیات مورد بحث.
- 2 - "مجمع البيان"، جلد 25، صفحه 128 و 129.
- 3 - 22 و 23 / حديد.
- 4 - "نورالثقلين"، جلد 4، صفحه 580.
- 5 - "نورالثقلين"، جلد 4، صفحه 581.
- 6 - "الميزان"، جلد 18، صفحه 61.
- 7 - "بحارالانوار"، جلد 81، صفحه 198.
- 8 - "كافي جلد 2، كتاب "الايمان والكفر" باب تعجيل عقوبة الذنب، حديث 2.
- 9 - "تفسير نمونه"، جلد 20 صفحه 446.